

بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب

غلامرضا رحیمی، سهیلا رجبعلی پوربنابی، ابراهیم جعفرنژاد عشق آبادی

استادیار گروه مدیریت دولتی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب
نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت دولتی (گرایش منابع انسانی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، آموزش و پرورش شهرستان بناب
دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت دولتی (گرایش منابع انسانی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بانک ملی.

چکیده

مدیریت بدون انسان معنا و مفهوم ندارد. هم مدیر یک انسان است و هم با انسان ها و برای انسان ها کار می کند. بنابراین موضوع انسان چه به معنای عام و چه به معنای خاص آن، یک موضوع مهم و اساسی در مدیریت است و تا زمانی که براساس ارزش ها و باورهای نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر آن جامعه، تعریف دقیق و روشنی از انسان صورت نگیرد، ارتباط و تعامل با آنان مشکل به نظر می رسد. بنابراین هر نظامی برپایه یک سلسله ارزش ها استوار گشته است که کلیه فعل و انفعالات در آن نظام، بر محور ارزش های مورد نظر شکل می گیرد و بار لازم تقدس و مطلوبیت را پیدا می کند، بطوریکه معتقدان و پیروان آن نظام، در راه تحقق آن ارزش ها از ایثار جان و مال دریغ نمی ورزند. اسلام به عنوان نظامی جامع که ریشه در فطرت انسان دارد و از سرچشمه وحی سیراب می شود و با دیدی عمیق و بینشی گسترده به انسان و انسانیت در ابعاد مختلف می نگرد، دارای نظام ارزشی ویژه ای می باشد که در پناه آن سعادت و کمال انسان را تضمین می نماید. هدف این مقاله پس از بیان مفهوم، مبانی و ویژگی های ارزش در اسلام و سایر مکاتب، تعریف مدیریت اسلامی از دیدگاه صاحب نظران این حوزه و بررسی تأثیر ارزش ها در حوزه مدیریت و سپس مقایسه تطبیقی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی با مدیریت غربی و در نهایت با توجه به دسته بندی اصول مدیریت مبتنی بر ارزش اسلامی از دیدگاه اندیشمندان و علمای اسلامی، ارائه مدلی در این زمینه می باشد.

کلمات کلیدی: نظام ارزشی، مدیریت اسلامی، مدیریت غربی

مقدمه

حضرت علی به مالک اشتر در نامه ۵۳ می فرماید:

برای رأس هر کاری یک رئیس انتخاب کن، رئیسی که کارهای مهم، وی را مغلوب و درمانده نسازد و کثرت کارها او را پریشان و خسته نکند.

جامعه اسلامی نیز مانند هر جامعه دیگر نیاز به مدیریت دارد. جامعه اسلامی جامعه ای است که در آن ارزش های الهی، دینی و اخلاقی اسلام مورد توجه بوده و در مناسبات رسمی و غیر رسمی رعایت می شود. رویکرد اسلامی مدیریت در جامعه اسلامی، با اخلاق، رفتار و ارزش های اسلامی آمیخته بوده و این ارزش ها مدیریت اسلامی را تحت تاثیر قرار می دهد. جامعه اسلامی نیاز به نوعی از مدیریت دارد که با ارزش های انسانی و دینی و مبانی اخلاقی آن پیوستگی داشته و آرمان های اسلامی را مورد توجه و عنایت قرار دهد. پس شناخت ارزش ها آثار مستقیمی در بازده کار، کنترل بیرونی انسان، کاهش هزینه ها و ارزیابی صحیح کار دارد و نهادینه شدن ارزش ها در کارکنان باعث افزایش خود کنترلی و رشد شخصیت افراد می شود.

از ارزش در زبان انگلیسی به Value به معنای رتبه، قدر و گرمی داشتن یاد می گردد و در زبان فرانسه به Velour به معنای قیمت، مقدار و ارزش تعبیر می شود و در زبان عربی از آن به القیمه یاد می شود در اصطلاح جامعه شناسی social Norms یا social Value عبارت از چیزی است که مورد پذیرش همگان است. ارزش اجتماعی، واقعیت ها و اموری را تشکیل می دهند که مطلوبیت دارند و مورد درخواست و آرزوی اکثریت یک جامعه است. (علی احمدی، ۱۳۸۳، ۲) از نظر اندیشمندان فلسفه اسلامی، ارزشها یک سلسله اصول کلی، ثابت و مطلق اند که تحت هیچ شرایطی تغییر نمی کنند، اما مصداق آنها تغییرپذیر است. از این منظر ملاک کلی ارزش اخلاقی، مصلحت عمومی فرد و جامعه و مصلحت واقعی انسان است.

یعنی هر چیزی که موجب کمال واقعی انسان است، نه چیزی که دلخواه افراد و مورد خوشایند آنهاست. البته اگر ملاک اصلی ارزش در اسلام، کمال نهایی است، مصداق آن قرب الهی است. در نظام اسلامی، هدف کسب رضای خداست. در این نظام، ارزشها نه کاملاً مطلق و ثابت اند که در هیچ شرایط زمانی و مکانی تغییر نکنند و نه اینکه همیشه تابع شرایط زمانی و مکانی باشد، بلکه اصول آن ثابت و مصداق ها متغیراند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ۲۳۰)

۱- ارزش، گاه در قالب یک هدف و گاه رسیدن به هدف و با بهاء دادن به یک مورد مطرح می شود. گونه های بسیاری از ارزشها قابل شناسایی و تشخیص اند از جمله ارزشهای اقتصادی، اخلاقی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی و دینی (سازگارا، ۱۳۷۷، ۱۰۵).

۲- ارزشها، نظامهایی از نمادهایی هستند که در قالب ایده های انتزاعی اخلاقی مربوط به خوب و یا بد، مناسب و نا مناسب، درست و نادرست سازماندهی شده اند. این نمادهای اساسی مشترک عبارتند از: زبان، تکنولوژی، عقیده، هنجار، ذخیره های علمی و...

۳- ارزشهای اجتماعی به مدل های کلی رفتار، احکام جمعی و هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته اند اطلاق می شوند (بابایی، ۱۳۷۲، ۲۶۵).

مبانی ارزش ها از دیدگاه اسلام و سایر مکاتب

۱- مکاتبی که معتقدند مطلقاً مفاهیم ارزشی حکایت از هیچ واقعیتی نمی کنند.

۲- مکاتبی که معتقدند مفاهیم ارزشی از واقعیت‌هایی حکایت می‌کند که از طبیعت سرچشمه می‌گیرد.

۳- مکاتبی که معتقدند مفاهیم ارزشی از واقعیت‌هایی مافوق طبیعت سرچشمه می‌گیرد.

پیرامون مبانی ارزش از دیدگاه اندیشمندان مسلمان ۶ عنصر قابل تحلیل است :

۱. ملاک ارزش کار، تاثیر آن در کمال نفس انسان است.

۲. هر کاری که بیشترین تاثیر را در بالاترین کمال انسان داشته باشد عالی ترین تاثیر را خواهد داشت.

۳. هر کاری که بیشترین تاثیر را در دور شدن انسان از خدا داشته باشد، پست ترین ارزشها و بدترین ردیلتها خواهد بود.

۴. در بین دو قطب فوق الذکر اگر نقطه ای فرض شود که نسبتش متساوی به هر دو قطب باشد،(یعنی نه تاثیری در حرکت انسان به سوی الله داشته باشد و نه تاثیری در دور کردن انسان از الله). اگر چنین فرض شود آن "بی ارزش" خواهد بود.

۵. ارزش های اخلاقی در طول هم تابع نیت است و هم تابع شکل کار . یعنی اصالتا ارزش، تابع نیت است، ولی چون هرنیتی با یک یا چند نوع از افعال سنخیت دارد، شکل آن و حجم آن و کمیت و کیفیت آن هم متناسب با آن نیت است، پس طبعاً با آنها هم مناسبتی دارد.

۶. در اسلام برای ارزشها، یک حدنصابی تعیین شده است. (علی احمدی، ۱۳۸۳، ۳۵)

ویژگی های نظام ارزشی اسلامی

۱. ارزش های هر جامعه همگون، مشترک هستند، اگرچه با ارزش های جوامع دیگر ممکن است، متفاوت باشند.

۲. ارزش ها با عواطف و احساسات همراه هستند.

۳- ارزش ها ثابت و با دوام هستند، ولی ارزش های متغیر نیز وجود دارند . ارزش ها به قضاوت شخصی افراد وابسته نیستند، بلکه ناشی از قضاوت نوعی، وجدان اجتماعی، وجدان فردی(فطرت)، عرف، محیط و وحی الهی می باشند.

۴. مراتب داشتن ارزشها (علی احمدی ، ۱۳۸۳ ، ۱۱)

ارزش های والای اخلاقی

هیچ شرافتی برتر از اسلام و هیچ عزتی گرامی تر از تقوا و هیچ سنگری نیکوتر از پارسایی و هیچ شفاعت کننده ای کارسازتر از توبه و هیچ گنجی بی نیاز کننده تراز قناعت و هیچ مالی در فقر زدایی، از بین برنده تر از رضایت دادن به روزی نیست. (آستان، ۱۳۹۳، ۲۱).

ارزش ها در نهج البلاغه

استفاده از فرصت‌ها - لزوم مشورت و استفاده از نظرات و آرای دیگران - پرهیز از خود پسندی و نکاتی در انتخاب دوست - توجه به نصایح و هشدارها - لزوم فراگیر علم و تخصص و ارزش دانشمندان - بخشندگی و پرهیز از بخل تاثیرانگیزه و پشتکار در موفقیت - لزوم پایبندی و عمل مدیر به قوانین الهی (ضد ارزش‌ها و هشدارها) - لزوم اطاعت و در نظر داشتن خدا در کارها - عدم توجه به مظاهر دنیوی در نظر داشتن دستورات قرآن و پیامبر و عمل به آن‌ها - ارزش یاد مرگ و استغفار (آستان، ۱۳۹۳، ۲۰۰).

حضرت علی (ع) در خصوص عوامل موثر در امنیت اجتماعی می‌فرماید:

ایمان را برای پاکسازی دل از شرک.

نماز را برای پاک بودن از کبر و خود پسندی.

زکات را عامل فزونی روزی.

روزه را برای آزمودن اخلاص بندگان.

جهاد را برای عزت اسلام.

حج را برای نزدیکی و همبستگی مسلمانان. (آستان، ۱۳۹۳، ۲۳).

در زمینه مدیریت اسلامی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

دیدگاه اول: مدیریت اسلامی فاقد وجود خارجی و حقیقت عینی است.

این دسته معتقدند که مدیریت یک علم است و مانند هر علم دیگر، اسلامی و غیر اسلامی ندارد و این عبارت را ساخته و پرداخته ذهن عالمان متعصب دینی برای بسط حاکمیت خود به تمامی شؤون زندگی اجتماعی می‌دانند نتیجه این دیدگاه تهی ساختن مدیریت اسلامی از ارزشهای دینی و نزدیک سازی آن به مدیریت غربی است.

دیدگاه دوم: اسلام برای کلیه جزئیات زندگی و از جمله مدیریت، دستورهای کاملاً مشخص دارد. این دیدگاه که در واقع نقطه مقابل دیدگاه اول را تشکیل می‌دهد معتقد است که اسلام بدون نیاز به علم برای حل کلیه تعارضات اجتماعی بشر، نسخه و دستور مشخص دارد. به عنوان نمونه می‌توان با استفاده از آیات قرآن و یا روایات، نحوه مقابله با تورم را یافت.

دیدگاه سوم: مدیریت اسلامی همان مدیریت مدیران مسلمان است.

گروهی دیگر معتقدند که مدیریت اسلامی، بررسی توصیفی نحوه مدیریت مدیران مسلمان در طول تاریخ است یعنی همانگونه که فلسفه اسلامی به معنای فلسفه فیلسوفان مسلمان است؛ مدیریت اسلامی هم معنای مشابهی دارد. بر این اساس باید رفتار حاکمان مسلمان در طول تاریخ مورد توجه و بررسی قرار گیرد. به عنوان نمونه، مطالعه شیوه مدیریتی پیامبر اکرم (ص) و خلفای راشدین می‌تواند سودمند واقع شود.

دیدگاه چهارم: تأثیرگذاری اسلام بر مدیریت از طریق نظام ارزشی. (عبیدی ابتهاج، ۱۳۸۷)

تأثیر نظام ارزشی اسلام در حوزه مدیریت

مدیریت و تصمیم‌گیری در تمام ابعاد بر اساس ارزش‌ها، باورها، اعتقادات حاکم بر مدیران و جامعه یا بر اساس نظام ارزشی فرد و جامعه را مدیریت ارزشی گویند (علی احمدی، ۱۳۸۳، ۴۰).

توجه نظام ارزشی مدیریت به:

- تصحیح و کنترل لازم به هنگام اتخاذ استراتژی در تصمیم‌گیری قوانین و مقررات دولتی
- معیارهای لازم برای ارزیابی عملکرد و سیستم
- تعریف و تبیین قوت‌ها، ضعف‌ها و فرصت و تهدید متناسب با نظام ارزشی
- تقویت نظام اقتصادی فرد و جامعه، منفعت و سود عادلانه
- توقعات و انتظارات در حد متعادل
- ارتقا ارزشها و فرهنگ‌ها در سیستم بازاریابی و فروش
- مشورت و مشارکت کارکنان در سیستم بازاریابی و فروش
- سلامت و قداست کافی سیستم بازاریابی و فروش در جهت ارتباط با تولید یا مصرف و حفظ قانونمندی‌های اقتصاد اسلامی در کسب منفعت و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه

جدول ۱. مقایسه مدیریت ارزش‌ها از دیدگاه غرب در مقایسه با ارزش‌های اسلامی

دیدگاه اسلام	دیدگاه غرب	مؤلفه‌ها
حق محوری، آخرت‌گرایی، عدالت طلبی، معنویت‌گرایی، صداقت‌گرایی، خدا محوری، ووحی‌گرایی	الحادی بودن مکاتب غربی بر اساس فاشیسم، اومانیسم، لیبرالیسم، منفعت‌گرایی و سود پرستی است.	۱- مبانی
۱- هدف مدیر رشد و تعالی انسان و سازمان در راستای رضایت الهی است، بدون شک این نگاه حداکثر بهره‌وری در سازمان را حفظ ارزش‌ها به دنبال دارد. هدف مدیر ازانجام کار، کمال و قرب الی الله است، اولویت با کاری است که برای هدف مفیدتر است.	مدیریت غرب به چیزی جز منفعت خود و سازمان نمی‌اندیشد. مدیریت در جوامع غربی، به ارزش‌های انسانی در سود، افزایش قدرت رقابت، کیفیت محصول، افزایش سهم بازار « حد توجه به محصول مدیریت عنایت دارد	۲- اهداف

<p>۲- مدیر به نفع شخصی خود صرفاً نمی اندیشد، بلکه هدف انتفاع مجموعه انسانهاست که در مسیر حق قرار دارند .</p> <p>۳- منافع نسل آتی، مصالح عمومی، دوراندیشی در تصمیم، دید بلند مدت و استراتژیک</p> <p>۴- عدالت محوری</p>		
<p>۱- مدیریت در واقع امانتی از سوی خداوند و رب العالمین به انسان است</p> <p>۲- پیوند تکالیف اجتماعی و اخلاقی و دینی است؛</p> <p>۳- مسئولیت باید نعمتی الهی و فرصتی برای دست یابی به مدارج معنوی و اخلاقی به شمار آید و مسئولیت را یک امانت می داند</p> <p>۴- انسان موجودی آزاد و دارای اختیار است</p>	<p>حق طبیعی فرد یا برگزیدگان بر مردم</p>	<p>۳- ماهیت</p>
<p>۱- وسیله در مدیریت اسلامی ، حقوق ، ضوابط و احکام اسلامی است</p> <p>۲- سازمان با تفکر اسلامی نوعی باید و نبایدهای اخلاقی و ارزشی حاکم است که مدیر موظف است در این چارچوب حرکت کند (فروزنده دهکردی و جوکار، ۱۳۸۶ ، ۷۰)</p>	<p>۱- وسیله ، حقوق و ضوابط ، بشرساخته و متغیر فردی یا گروهی</p> <p>۲- برای رسیدن به هدف از هر وسیله استفاده می کنند</p>	<p>۴- وسیله</p>
<p>۱- تکیه بر نوع دوستی و عدالت اجتماعی، رقابت اقتصادی مفهوم دیگری می یابد .</p> <p>۲- در چنین زمینه ای است که مقررات محدود کننده دولتی از سوی شرکت ها تهدید محسوب نمی گردد، بلکه قوانینی تلقی می گردند، که در جهت وصول به هدف بنیادین این شرکت ها، که همان تامین منافع عام بود، تلقی می شود(علی</p>	<p>۱- اساس تعادل اقتصادی را رقابت آزاد تعیین می کند</p> <p>۲- رقیب، دروغ، تبلیغ بیجا، افزایش درخواست ها، ایجاد نیازهای جدید، جلب مشتری به هر شکلی در چارچوب مقررات و قوانین اصالت دارد . موفقیت در رقابت یک هدف مهمی و اساسی در صحنه بازرگانی و بین المللی است</p>	<p>۵ - رقابت</p>

احمدی، ۱۳۸۳، ۴۵)		
۱- بازار یعنی یافتن نیاز واقعی از جامعه که باید تامین و مرتفع شود و تبلیغ نیز معنی حقیقی خود که همان تعریف و معرفی صادقانه و به دور از هر گونه دروغ و فریب است را می یابد	۱- در مدیریت غربی، تبلیغات نیز در اقتصاد آزاد از هر گونه محدودیت درونی آزاد است در تاثیرگذاری از هر روشی استفاده می کند. تنها عامل محدودکننده آن عوامل بیرونی (از قبیل مقررات دولتی) است. ۲- تبلیغات تجاری در دوران حاضر ایجادمیل و رغبت در مصرف کنندگان است	۶- تبلیغات
نظارت بیش از آن که بیرونی و مستقیم باشد، درونی و فردی است. اسلام بجای کنترل بیرونی به خود کنترلی تأکید دارد و تمام توصیه ها و سفارشات اسلام به تقوا، ناظر به همین مطلب است	۱- در نظام مدیریت غرب، نظام کنترل بیرونی مقدم بر کنترل درونی است مصداق این موضوع را می توان در نظریه بوروکراسی وبر مشاهده کرد. ۲- در نظام بوروکراسی، معمولاً نظارت، مستقیم و مستبدانه است. ۳- هر چند امروزه در نظرات افراد مانند پیترسنج در سازمان های یادگیرنده بحث خود کنترلی یک امر لازم تلقی شده است، اما چون پشتوانه ارزشی ندارد چندان ضمانت اجرایی ندارد و صرفاً به عنوان یک توصیه باقی خواهد ماند	۷- کنترل

اصول مدیریت با تکیه بر ارزش های اسلامی

نهج البلاغه کتابی هست، که مشحون از اصول و مفاهیم مناسب برای مدیریت است. نامه مکتوب امام علی به مالک اشتر:

- اصل اعتقاد
- اصل وحدت جهت
- اصل وحدت دستور
- اصل سلسله مراتب
- اصل اولویت رفاه مردم و احترام به آنان
- اصل تواناییها و خصایص لازم برای مدیر

- اصل توانایی در کنترل نفس
- اصل خوشبینی
- اصل انصاف
- اصل انضباط
- اصل تبعیت منافع فردی از منافع عمومی
- اصل انتظار از مدیر
- اصل کاربرد ضابطه و دوری از رابطه
- اصل رازداری
- اصل مؤانست و توجه به افراد
- اصل احسان، حقوق و پاداش عادلانه
- اصل جدایی شخص از موضوع
- اصل تمرکز (میزان و مقدار کاری که باید مدیران انجام دهند)
- اصل ارزشیابی و کنترل و نظارت
- اصل تناسب با شغل (برنجی، ۱۳۷۷، ۲۸۳)

خصوصیات فردی و شخصیتی مدیر از نظر حضرت علی

فروتنی - مهربانی - خنده رویی - خیره نشدن به چشم مردم - عدالت . مدیر اسلامی باید با شکر گذاری از فرصت های الهی استفاده کند و با بی توجهی آن ها را از دست ندهد. راه و رسم مدیر اسلامی توجه به احکام و دستورات الهی و پیروی از سیره رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) است و همچنین مدیر اسلامی نباید حسادت کند و یکی دیگر از خصوصیات مدیر اسلامی وفای به عهد است به خاطر اعتقاد به قیامت از خیانت و نیرنگ دوری کند. (آستان، ۱۳۹۳، ۲۳).

دیدگاه شهید بهشتی

- خودگردانی بر اساس معیارهای اسلامی ، مدیریت به عناصر و افراد و به مردم امکان بدهد که
- خودشان را بر اساس معیارهای اسلامی اداره کنند.

- ایمان به زمامداران، برای اینکه بشود مردم در اداره امورشان صمیمانه حضور پیدا کنند ایمان مردم به زمامداران لازم است.
- اول باید افراد عادل صدیق پیدا کرد، بعد کارها بدانها سپرد.
- مکتب اسلامی در پی جذب و پرورش و رشد دادن به همه انسانهاست.
- مراقبت پیگیر و مستمر مسئولان در عین اعتماد به زیردستان.
- دستگاه مدیریت جامعه اسلامی، یک مجموعه یکپارچه (عابدی جعفری، ۱۳۷۲، ۱۹)

مدل پیشنهادی برای اصول مدیریت مبتنی بر ارزش های اسلامی

با توجه به دیدگاه های مختلف در مورد اصول مدیریت مبتنی بر ارزش های اسلامی و همچنین با بیان مقایسه مدیریت اسلامی و غربی در این زمینه، دسته بندی که می توان برای این اصول داشته باشیم از این قرار است :

- اصل قرب الهی
- اصل رعایت مصالح عمومی
- اصل مسئولیت
- اصل خودکنترلی
- اصل رقابت سالم و رعایت حقوق افراد
- اصل عدالت محوری

نتیجه گیری

با توجه به مباحث گفته شده در واقع به نظر می رسد مدیریت اسلامی بر مبنای ارزشهای الهی اسلام، زمینه های تعالی انسان را فراهم می آورد. در دیدگاه صاحب نظران غربی که مدیریت را تعریف کرده اند، انجام دادن کار و نیل به هدف مدیر به وسیله انسان ها و سازمان مطرح است و در این راستا هنر و توانایی مدیر در به کار گرفتن همه قابلیت های پیروان و کارکنان و چگونگی افزایش این توانایی در به کارگیری این قابلیت ها، جان کلام و نقطه اصلی توجه صاحب نظران غربی علوم مدیریت است.

در حالی که از نظر اسلام، چگونگی به کارگیری قابلیت های پیروان و نیل به هدف، نحوه اعتلاء و رشد معنوی کارکنان و ضرورت آنها به سوی خداوند نیز از اقسام تعیین کننده و مهم است که مقدم بر رسیدن به هدف است در واقع در این رویکرد، مدیر و رهبر تنها در چارچوبی از محدودیت ها که ارزشهای الهی و اسلامی برای وی تعیین کرده اند، مجاز به ارائه دستور و رهنمود است.

آنچه مسلم است این است که در مدیریت از دیدگاه اسلام، اخلاق و مسایل اخلاقی - ارزشی اهمیتی بیش از کسب هدف (تولید) دارند و به عبارت بهتر در اولویت بالاتری قرار گرفته اند. چنانکه مدیریت اخلاق محور در حکومت علی (ع) وجود دارد، و محور این

توصیه ها و هشدارهای اخلاقی در سه محور اخلاق فردی، درون سازمانی و برون سازمانی استوار است تأکید بر اعمال صالح و مهار هوای نفس و خویشتن داری از آنچه حلال نیست از محوری ترین توصیه های اخلاقی ایشان به مدیر است. در نمونه های اخلاق سازمانی در غرب اصول اخلاقی در ارتباط با جامعه و مردم، در خدمت منافع سازمانی است. به گفته استیفن رابینز «رعایت اخلاق باید در جهت منافع سازمان باشد. اما در مدیریت علوی مردم به منزله مخلوقات و صاحبان کرامت هستند که خشنودی آن ها برسود آوری مقدم است. روش های اخلاق غربی براساس دنیا گرایی بوده اما در مکتب اسلام محور ایمان است و دین داری و خدامحوری در اخلاق اسلامی نقش اساسی دارد.

فهرست منابع

- ۱- آستان، سمانه (۱۳۹۳)، مدیریت اسلامی پیشرفته، سرافرازان البرز.
- ۲- بابایی، عبدالله (۱۳۷۲)، ارتباط ارزشهای انسانی، تهران، انتشارات دستان.
- ۳- برنجی، محمدرضا (۱۳۷۷)، اصول مدیریت، نگرشی بر مدیریت در اسلام (مجموعه مقالات)، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۴- سازگارا، پروین (۱۳۷۷)، نگاهی به جامعه شناسی با تأکید بر فرهنگ، تهران: نشر کویر.
- ۵- فروزنده دهکردی، لطف الله، ملائی، الهه (۱۳۸۸)، بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب
- ۶- عابدی جعفری، حسن (۱۳۷۲)، مدیریت ما، مجله مصباح، شماره ۵.
- ۷- عبیدی ابتهاج، صهیب (۱۳۸۷)، مقالات آموزشی اقتصادی، محصل فاکولته بین المللی اقتصاد اسلامی پوهنتون بین المللی اسلامی اسلام آباد پاکستان.
- ۸- علی احمدی، علیرضا و علی احمدی، حسین (۱۳۸۳)، مدیریت ارزشی با تکیه بر ارزشهای اسلامی، انتشارات تولید دانش.
- ۹- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳)، ارزشهای اسلامی در مدیریت، سایت باشگاه اندیشه، ماهنامه معرفت شماره ۱۷.